

شیخ فضل الله نوری

در سال ۱۲۵۹ ق . در روستای لاشک در منطقه کجور مازندران ، ملا عباس کجوری از روحانیان صالح و مورد اعتماد مردم ، صاحب فرزندی شد و او را فضل الله نام نهاد . فضل الله پس از پشت سر گذاشتن دوران کودکی به تحصیل علوم اسلامی روی آورد .

در سال ۱۲۵۹ ق . در روستای لاشک در منطقه کجور مازندران ، ملا عباس کجوری از روحانیان صالح و مورد اعتماد مردم ، صاحب فرزندی شد و او را فضل الله نام نهاد . فضل الله پس از پشت سر گذاشتن دوران کودکی به تحصیل علوم اسلامی روی آورد . تحصیلات ابتدایی را در بلده مرکز منطقه نور آغاز کرد . پس از آن به تهران مهاجرت کرد و تحصیلات خویش را تا پایان دوره سطح در آنجا ادامه داد . سپس برای تکمیل دانش خویش به نجف هجرت کرد و نزد استادان بزرگ حوزه نجف میرزا حبیب الله رشتی و شیخ راضی به تحصیل پرداخت و بعد از مدتی در درس میرزای شیرازی بزرگ شرکت کرد . هیبت ، وقار و تیز هوشی استاد ، طلبه جوان را آنچنان شیفته وی ساخت که با هجرت میرزای شیرازی به سامرا وی نیز حوزه نجف را رها کرد و راهی سامرا شد . حضور مستمر در درس میرزای بزرگ و هشت سال حضور در درس شیخ راضی و میرزا حبیب الله رشتی به همراه پشتکار و مداومت در درس و تحصیل ، از شیخ فضل الله مجتهدی برجسته و فقیهی نامدار ساخت .

بخ حقیقت باید او را وارث علم میرزای رشتی و سیاست و مدیریت میرزای شیرازی دانست .

بازگشت

موقعیت حساس سیاسی و اجتماعی ایران موجب شد تا شیخ فضل الله با اشاره میرزای شیرازی و برای هدایت و پیشوایی جامعه ایران در سال ۱۳۰۳ ق . روانه تهران شود . شیخ فضل الله پس از مهاجرت به تهران ، به اقامه جماعت و تالیف و تدریس علوم اسلامی و حوزوی پرداخت . مهارت او در فقه و اصول و سایر علوم اسلامی و شناختنش از مسائل روز جامعه موجب شد تا خیلی زود مورد استقبال و توجه طلاب و روحانیان قرار گیرد . مجلس درس شیخ در تهران دارای اعتبار و اهمتی فوق العاده بود و بسیاری از روحانیان به شرکت در درس او مباحث داشتند و مجتهدان بسیاری در حوزه درس او حاضر و اغلب علمای تهران از افادات علمی او بهره می بردند .

از چنین حوزه تعلیم و تدریسی شخصیت‌های بزرگواری برخاسته اند ، از آن جمله اند :

حاج شیخ عبدالکریم حائری موسس حوزه علمیه قم ، حاج آقا حسین قمی ، آقا

سید محمود مرعشی پدر آیه الله العظمی سید شهاب الدین مرعشی ره ، سید اسماعیل مرعشی ، ملا علی مدرس ، میرزا ابوالقاسم قمی ، شیخ حسن تهرانی ، علامه محمد قزوینی و

مقام علمی

مقام علمی شیخ فضل الله مورد توافق دوست و دشمن بود . او علاوه بر علوم

اسلامی از دانشهای دیگر هم اطلاع داشت و به مسائل جامعه و مقتضیات زمان آگاه بود . یکی از کسانی که شیخ را ملاقات کرده است ، می نویسد : مراتب علمی شیخ را هیچ کس از دوست و دشمن منکر نبود و لکن گمان می کردند که فقط معلومات او منحصر به همان فقه و اصول است . نگارنده در چند جلسه فهمیدم قطع نظر از جنبه فقاہت از بقیه علوم هم اطلاع کافی دارند .

ناظم الاسلام می نویسد : نگارنده روزی که مشار الیه شیخ فضل الله در خانه آقای طباطبایی بود ، در مجلس در ضمن مذاکره گفت ملای سیصد سال قبل به کار امروز نمی خورد . شیخ در جواب گفت : خیلی دور رفتی بلکه ملای سی سال قبل به درد امروز نمی خورد . ملای امروز باید عالم به مقتضیات وقت باشد ، باید مناسبات دول را نیز بداند .

ادوارد براون ، محقق و تاریخ نویس نامدار می نویسد : شیخ فضل الله از لحاظ علم و آراستگی به کمال معروف و فقیه جامع و کامل ... مجتهد سرشناس و عالمی متبحر ... و از لحاظ اجتهاد برتر از دیگران بود ... مهدیقلی هدایت چنین گفته است : مقام علمی اش بالاتر از دو سید مسند نشین طباطبایی و بهبهانی است . طلاب و پیشتر اهل منبر دور او را دارند .

ابوالحسن علوی می گوید : شیخ فضل الله از شاگردهای نمره اول حاجی میرزا حسن شیرازی معروف بود . در پایتخت مرجع امورات شرعی بود . فریدون آدمیت نوشته است : متفکر مشروطیت مشروعه شیخ فضل الله نوری بود . از علمای طراز اول که پایه اش را در اجتهاد اسلامی برتر از طباطبایی و بهبهانی

شناخته اند .

احمد کسروی می نویسد :

حاجی شیخ فضل الله نوری ... از مجتهدان بنام و با شکوه تهران شمرده می شد .

و بالاخره پیرم خان ارمنی - که خود عاقبت مجری حکم اعدام شیخ شد - در

یادداشت‌های خصوصی خود نوشته است :

شیخ فضل الله نوری ... روحانی عالیقدری بود و گفته او برای توده خلق ، وحی

منزل محسوب می شد .

آثار علمی

شیخ فضل اله علاوه بر فعالیت‌های اجتماعی و سیاسی و تدریس و تبلیغ دارای آثار

علمی ارزنده ای است که برخی را تالیف کرده و بر بعضی کتابها شرح و توضیح

نوشته است . قسمتی از این آثار عبارت اند از :

۱ - رساله منظوم فقهی الدرر التنظيم به عربی

۲ - بیاض کتاب دعا

۳ - رساله فقهی فی قاعده ضمان الید

۴ - رساله فی المشتق

۵ - صحیفه قائمیه صحیفه مهدویه

۶ - ضمایمی بر کتاب تحفه الزائر از مرحوم مجلسی در پایان کتاب

۷ - اقبال سید بن طاووس با توضیحات شیخ

۸ - رساله تحریم استطراق حاجیان از راه جبل به مکه معظمه

۹ - روزنامه شیخ لویح آقا شیخ فضل الله

۱۰ - تحریم مشروطیت

۱۱ - حاشیه بر کتاب شواهد الربوبیه ملا صدرا

۱۲ - حاشیه بر کتاب فرائد الاصول شیخ انصاری .

در نهضت تنباکو

شیخ فضل الله در نهضت تنباکو که نخستین قیام فراگیر به رهبری روحانیت بود ،

نقش فعالی داشت . او نخستین عالمی بود که به حمایت از میرزای آشتیانی

برخواست .

وی به عنوان نماینده میرزای شیرازی در تهران مورد توجه مردم و روحانیان بود .

به طوری که پس از لغو قرارداد تا وقتی که میرزای شیرازی به وسیله شیخ فضل الله

از لغو قرارداد اطمینان حاصل نکرد ، حکم حرمت استعمال توتون و تنباکو را لغو

نمود .

در آستانه مشروطیت

با قتل ناصر الدین شاه ، فرزندش مظفر الدین شاه به سلطنت رسید . وی اراده ای

ضعیف داشت ساده لوح و زود باور بود و از علم و تدبیری که لازم مفرمانروایی است

بی بهره بود . از این رو اوضاع کشور آشفته بود . این اوضاع نا بسامان ملت را تحت

فشار قرار داده بود، مردم که یک بار پیروزی در نهضت تنباکو را تجربه کرده بودند ،

در صدد تغییر وضع موجود بر آمدند . از این زمان انجمن هایی برای هدایت

مبارزات مردم تشکیل شد که مهم ترین آن انجمن مخفی بود که بوسیله آیت الله

طباطبایی اداره می شد . در محرم سال ۱۳۲۳ ق . سخنرانان در مجالس مذهبی به انتقاد از دولت پرداختند . در همین زمان عکسی از مسیو نوژ بلژیکی که در اداره گمرک ایران کار می کرد با لباس روحانی پخش شد . عالمان و مردم مذهبی این عکس را توهین به جامعه روحانیت دانستند و همین موضوع موجب تظاهراتی در بازار شد . این وضع در تهران با رویدادهای سایر شهرها از جمله خشم مردم کرمان به جهت برخورد ناشایست حاکمان کرمان با رهبران روحانی آنجا و نیز نارضایتی مردم خراسان ، قزوین و سبزوار از حاکمان محلی سبب نارضایتی عمومی در کشور گردید . مردم و بازرگانان در مسجدی در تهران متحصن شدند . آیت الله طباطبایی و آیت الله بهبهانی به آنان پیوستند و تظاهراتی صورت گرفت که مورد هجوم نیروهای دولتی قرار گرفت . رهبران روحانی به همراه مردم به حرم عبدالعظیم علیه السلام پناهنده شدند و در آنجا خواسته های خود را که مهم ترین آنها اجرای قوانین اسلامی و ایجاد عدالتخانه بود به اطلاع شاه رساندند . با اعلام موافقت با خواسته های مهاجران روحانیان و مردم به شهر بازگشتند اما عین الدوله که پذیرش خواسته ها قدرتش را محدود می کرد با خواسته های آنها مخالفت کرد و به زندان و تبعید عدالت طلبان پرداخت . مردم نیز مبارزات خود را تشدید کردند و به رهبری روحانیان دست به راه پیمایی و تظاهرات زدند . در این جریان یکی از طلاب به نام سید عبدالحمید به شهادت رسید . مردم جسد شهید را برداشته ، در شهر به راهپیمایی پرداختند و پس از آن در مسجد جامع متحصن شدند .

آیت الله طباطبایی و آیت الله بهبهانی که رهبری نهضت عدالت طلبی را به عهده داشتند، از قدرت و نفوذ شیخ فضل الله در جامعه آگاهی داشتند از این رو با وی به گفتگو پرداخته ، و از او درخواست همکاری کردند . شیخ نیز برای همراهی و حمایت از نهضت عدالتخانه به مبارزان پیوست . او در ابتدای همکاری و همراهی گفت : من راضی به بی احترامی به روحانیت و توهین به شریعت نیستم و شما را تنها نمی گذارم هر اقدامی که انجام دادید من هم با شما حاضرم ولی باید مقصود اسلام و شرع باشد .

تحصن در سفارتخانه انگلیس

با هجرت عالمان و روحانیان به قم ، شهر به حال تعطیل در آمد و مردم نگران و پریشان شدند . این نگرانی موقعیت مناسبی را برای دولت استعمارگر انگلیس به وجود آورد تا در نهضت رخنه کند و از این راه با دولت روسیه که همه کاره دربار قاجار بود رقابت کند . از این رو به وسیله فراماسونها و روشنفکران وابسته به خویش در میان مبارزان نفوذ کرده ، با پخش شایعه حمله دولت به مردم ، زمینه را برای تحصن مردم در سفارتخانه اش آماده کرد و به دنبال آن تحصن در سفارتخانه آغاز شد . از پیشگامان این تحصن حاج امین الضرب و حاجی شاهرودی و چند نفر دیگر بودند . معروف بود که این آقایان از اهل فراموشخانه ۱۷ فراماسونری هستند و یک رمز و قراردادی محرمانه با هم دارند . ۱۸ نهضت عدالتخانه که ریشه ای مکتبی و اسلامی داشت از این مرحله رنگ غربی به خود گرفت و کم کم زمزمه حکومت مشروطه بر سر زبانها افتاد .

درخواستهای آغازین که اجرای قوانین اسلام و ایجاد عدالتخانه بود ، جای خود را به حکومت مشروطه و مجلس شورای ملی داد . نا آگاهی تحصن کنندگان از این نوع حکومت به گونه ای بود که برخی شعار می دادند ما مشربه و بعضی می گفتند ما مشروطه می خواهیم و شخص دیگری مشروطه را زنی تصور می کرد که قرار است پادشاه شود !

فضای نیرنگخانه انگلستان و تبلیغات درون آن به گونه ای بود که تحصن کنندگان بدون اینکه بفهمند مشروطیت چیست و در حالی که تلفظ صحیح این لفظ را هم نمی دانستند خواهان حکومت مشروطه شدند و از این مرحله ، نهضت عدالتخانه با

نام مشروطه و تحت نفوذ انگلستان به پیش می رفت . روشنفکران غربزده و

فراماسونهای وابسته در شمار رهبران اصلی آن در آمدند و همان طور که ماهیت نهضت تغییر کرد ، نام آن نیز تغییر یافت و نهضت مشروطیت نام گرفت .

به دنبال پذیرش خواستهای مبارزان عالمان و روحانیان متحصن در قم به تهران بازگشتند و فرمان مشروطیت و دستور تشکیل مجلس شورای اسلامی به وسیله مظفر الدین شاه صادر شد . اما متحصنین در سفارت که از دیگ پلو سفارت

انگلیس غذا خورده بودند ، از سفارتخانه خارج نشدند و خواهان تغییر مجلس شورای

اسلامی به مجلس شورای ملی شدند . و پس از گفتگو و تغییر مجلس شورای

اسلامی به مجلس شورای ملی از سفارتخانه خارج شدند . پس از آن با انتخاب

نمایندگان ، در روز یکشنبه هیجدهم شعبان ۱۳۲۴ ق . مجلس افتتاح شد .

تکیه گاه مجلس و مایه قوت و قدرت آن ، علمای بزرگ تهران بودند که در راس

آنها آقا سید عبدالله بهبهانی و سید محمد طباطبایی و حاج شیخ فضل الله نوری بودند .

قانون اساسی

یکی از مهمترین کارهای مجلس تدوین قانون اساسی بود . در مورد قانون اساسی دو دیدگاه متفاوت مطرح بود . روحانیان و در رأس آنها شیخ فضل الله خواهان قانونی بودند که بر پایه اسلام و شریعت باشد و روشنفکران غربزده و فراماسونها قانونی همسان قوانین کشورهای غربی می خواستند و این اختلاف که ناشی از دیدگاه فکری و اعتقادی آنها بود، سر آغاز تفرقه بین دسته های مبارزان شد . روشنفکران وابسته و فراماسونها اکثر مجلس را تشکیل می دادند به طوری که تنها در بین شانزده نماینده تهران سیزده نفر آنها فراماسون بودند . فراماسونها و دیگر روشنفکران غربزده در نوشتن قانون اساسی و متمم آن نقش مهمی داشتند . رئیس هیئت تدوین کننده متمم قانون اساسی سعد الدوله بود که در بلژیک به عضویت لژ فراماسونی در آمده بود . از دیگر اعضای آن حاج امین الضرب ، حاج سید نصرالله سادات اخوی ، سید نصر الله تقوی و تقی زاده بودند که همه فراماسون بودند . مجلس با چنین افرادی مشغول تهیه و تصویب قانون اساسی شد . شیخ فضل الله که از قبل به توطئه های فراماسونها و روشنفکران غربزده پی برده بود ، به همراه آیت الله بهبهانی و آیت الله طباطبایی در جلسات مجلس شرکت کردند تا شاید از راه نصیحت و هدایت بتوانند از تصویب قوانین غیر اسلامی جلوگیری کنند . اما نمایندگان فراماسون به راه خویش می رفتند .

در این میان روحانیان و عالمان بزرگ حوزه علمیه نجف یعنی آیات عظام آخوند خراسانی ، شیخ عبدالله مازندرانی و میرزا حسین تهرانی نیز با اطلاعات نادرستی که از طرف مشروطه خواهان به آنها می رسید به حمایت از مشروطه برخاستند . شیخ

فضل الله به تلاش خود برای اصلاح وضع موجود ادامه داد . او در مورد قانون اساسی پیشنهادهایی به مجلس داد . ذکر مذهب جعفری به عنوان مذهب رسمی کشور و اصل نظارت فقها بر قوانین مجلس شورای ملی از جمله این پیشنهادهای بود که از هوشیاری و شم سیاسی او حکایت داشت . با اینهمه مجلس با نظرات وی مخالفت کرد و او به نشان اعتراض مجلس را ترک کرد .

از این زمان شیخ فضل الله مورد حملات ناجوانمردانه روشنفکران غرب گرا و فراماسونها و دیگر نا آگاهان قرار گرفت . یکی از نمایندگان در مذاکرات مجلس درباره شیخ فضل الله گفت : چون او ریاستی پیدا نکرد ، راه مخالفت پیش گرفت تا از این راه به ریاست برسد !

از آن پس مطرح شدن بحث آزادی مطبوعات دستاویزی برای حمله به مقدسات دینی و مذهبی شد . روزنامه کوکب دری در شماره ۱۳ سال اول خود نوشت :

شما مردم نادان چرا این قدر اعتقاد به این اشخاص دارید که در هزار و سیصد سال قبل به یزید بن معاویه یاغی شد و قشون فرستاد ، خود و همراهانش را کشتند . حالا این مردم روضه خوانی می نمایند ، خرج می دهند و مال خود را بی جهت تفریط می نمایند . یک جماعتی به خاک کربلا اعتقاد دارند ، این خاک چه مزیت و برتری با خاکهای دیگر دارد .

مخالفت با مشروطه

هر چند که با تلاش شیخ و حمایت عالمان نجف اصل نظارت فقها با تغییراتی به عنوان اصل دوم متمم قانون اساسی تصویب شد، ۲۸ شیخ فضل الله که شاهد توهین روزنامه ها به دین و ائمه معصومین علیهم السلام بود، دریافت که هیچ تضمینی برای اصل نظارت فقها و تطبیق قوانین با شریعت اسلام وجود ندارد و اگر اکنون فکری اساسی برای این کار نشود فردا بسیار دیر خواهد بود. وی با حکومت مشروطه مخالفتی نداشت، بحث او در کیفیت این نوع از حکومت در جامعه اسلامی ایران بود. او معتقد بود که قانون اساسی و دیگر قوانین حقوقی و جزایی باید مطابق قوانین اسلام باشد، زیرا مردم ایران مسلمان و پیرو این دین هستند و به همین دلیل پیشنهاد کرد تا عنوان حکومت، مشروطه مشروعه باشد. وی بارها گفت: من والله با مشروطه مخالفت ندارم، با اشخاص بی دین و فرقه ضاله و مضله مخالفم که می خواهند به مذهب اسلام لطمه وارد بیاورند. روزنامه ها را که لازم خوانده اید که به انبیا و اولیا توهین می کنند، رویارویی و نبرد دو اندیشه مشروطه و مشروعه، مخصوص تهران نبود و در شهرهای بزرگ دیگر نیز وجود داشت. در رشت آیت الله حاج ملا محمد خمایی رشتی، در زنجان آخوند ملا قربان علی زنجانی، در تبریز میرزا محمد حسن مجتهد تبریزی و میر هاشم دوچی از طرفداران مشروطه مشروعه بودند.

در تهران نیز آخوند رستم آبادی، سید احمد طباطبایی، ملا محمد آملی، شیخ عبدالنبی نوری، سید محمد یزدی، شیخ محمد بروجردی، حاج میرزا لطف الله،

حاج آقا نورالله مجتهد عراقی ، شیخ علی اکبر مجتهد ، سید علی قطب نخجوانی ، شیخ محمد علی پیشنماز ، آقا جمال الدین لافجه ای ، شیخ علی اکبر طالقانی و ... از شیخ فضل الله و مشروطه مشروعه حمایت می کردند . اما با این همه ،

تبلیغات مشروطه طلبان چنان قوی و گرمه کننده بود که جو سیاسی و اجتماعی به طور کامل موافق مشروطه خواهان بود و همین موجب شد تا جمعی خواهان تبعید شیخ شوند و گروهی حمله به منزل او را طرح ریزی کنند . شیخ فضل الله نیز برای اینکه پیام خود را بهتر به مردم برساند با همراهان خویش به حضرت عبدالعظیم علیه السلام هجرت کرد و در آنجا متحصن شد .

او در یکی از سخنرانیهای خویش خطاب به مردم حاضر در حرم فرمود :

بارها این را گفته ام و باز به شما می گویم که من در موضوع مشروطیت و محدود بودن سلطنت هیچ حرفی ندارم و هیچ کس نمی تواند این موضوع را انکار کند ، بلکه برای اصلاح امور مملکت و محدودیت سلطنت و تعیین حقوق و وظایف دولت قانون و دستور العمل لازم است . اما می خواهم بدانم در مملکت اسلامی که دارای مجلس شورای ملی است ، قوانین آن مجلس باید مطابق قوانین اسلام و قرآن باشد یا مخالف قرآن و کتاب آسمانی ؟ ! وی در ادامه قرآن کوچک خود را از جیب بیرون آورد و قسم یاد کرد که من مخالف اساس مشروطیت و مجلس نیستم بلکه اول کسی که طالب این اساس بود من بودم و فعلا هم مخالفتی ندارم اما مشروطه به همان شرایطی که گفتم که باید قانون اساسی و قوانین داخلی مملکت مطابق با شرع باشد .

تحصن کنندگان برای بیان و توضیح مواضع و اهداف خود روزنامه ای به نام لایحه منتشر می کردند . مجلس که از افشاگری و تبلیغات آنها احساس خطر می کرد . ، با انتشار اطلاعیه ای اعلام کرد که کلمه مشروطه نمی تواند چیزی مخالف با دین و احکام شرعی باشد . این اطلاعیه که پاسخی در حد گفتار و نوشتار به خواستهای متحصنین بود موجب شد تا شیخ فضل الله و یارانش حرم را ترک کرده ، به شهر باز گردند اما این یک برنامه حساب شده برای تفرقه و از هم پاشیدن متحصنین بود و مشروطه خواهان در عمل همان مسیر سابق را می پیمودند .

شیخ فضل الله نیز مشغول درس و بحث علوم اسلامی شد و چون گذشته در موضع مخالفت و در سنگر مبارزه با مشروطیت اروپایی باقی ماند . شیخ و یارانش هر چند در این مرحله فعالیت علمی در مخالفت با مشروطه نداشتند وجود آنها خاری در چشم مشروطه طلبان غرب گرا بود . از این رو با جعل تلگرامهایی از طرف علمای نجف شیخ را مخل آسایش و مفسد معرفی کردند . جالب توجه اینکه در یکی از این تلگرامها آمده بود : شیخ فضل الله به علت اخلاص در اصلاح مسلمین از درجه اجتهاد ساقط است . این جاعلان جاهل نمی دانستند که علم و اجتهاد چیزی نیست که کسی بتواند آن را از دیگری سلب کند . اما نا آگاهی جامعه کافی بود تا این تبلیغات موثر واقع شود . پس از آن توطئه قتل شیخ طرح ریزی شد و شیخ فضل الله مورد حمله مسلحانه قرار گرفت و مجروح گردید .

منابع :

www.aftab.ir

سایت اطلاع رسانی آفتاب :

www.daneshnameh.roshd.ir

سایت اطلاع رسانی دانشنامه رشد :

- ۱- پایداری تا پای دار ، علی ابوالحسنی (منذر) ص ۱۳۹ .
- ۲- خاطرات سیاسی ، تاریخی مستر همفر در کشورهای اسلامی ترجمه علی کاظمی با مقدمه آیت الله شیخ حسین لنکرانی ، ص ۱۷ .
- ۳- شیخ فضل الله نوری و مشروطیت ، مهدی انصاری ، ص ۲۶ .
- ۴- پایداری تا پای دار ، ص ۳۰۵